

دکتر الین فیلیپس، ادبیات عهد عتیق، سخنرانی ۳۶، حبی، زکریا، ملاکی

الین فیلیپس و تد هیلدبرانت ۲۰۲۴ ©

خب، صبح بخیر، آخرین باری است که می‌گویم آرامش مسیح با شما باشد. و حالا که این کار را کرده‌ایم، بیایید بوکر توف را هم انجام دهیم. این عالی است.

اطلاعه‌ها به طور خلاصه این‌ها هستند. آیا در این مرحله از امتحان نهایی سوالی هست که لازم باشد به آن پاسخ داده باشید؟ به غیر از مطالبی که در آن آمده است. بله، سوزانا

بله، بله. فقط مطمئن شو که امتحانات قبلی‌ات را خوب می‌خوانی، و در مورد تاریخ پس از تبعید، نام‌هایی را که دفعه‌ی قبل اشاره کردم، شخصیت‌های کلیدی، و در مورد پیامبران پس از تبعید، خب، ببخشید، تمام پیامبرانی که از امتحان قبلی تا حالا انجام داده‌ایم را می‌شناسی، فقط از آن برگه‌ی مرور استفاده کن. مطمئنم که مفید خواهد بود.

از نظر پر کردن جاهای خالی با نام پیامبر، قالب یکسان خواهد بود، بنابراین شما می‌خواهید در مورد آن یک بررسی خوب انجام دهید. و کوی ارزیابی دوره را انجام خواهد داد، بنابراین ما قصد داریم کلاس را حدود ساعت ۱۰ تا ۱۰ متوقف کنیم تا حدود ۲۰ دقیقه به شما فرصت دهیم. من هر سال این را می‌گویم، بنابراین احساس می‌کنم که رکورد شکسته‌ای برای خودم دارم، اما فکر نمی‌کنم شما این را شنیده باشید.

من نظرات کتبی در مورد این ارزیابی‌ها را خیلی جدی می‌گیرم. نمرات عددی جالب هستند، منظورم این است، که همه اینها جالب است، اما اگر چیزهایی وجود دارد که واقعاً احساس می‌کنید باید در مورد آنها نظر بدهید، لطفاً توجه داشته باشید که اینها مواردی هستند که من واقعاً به آنها نگاه می‌کنم، احتمالاً بیشتر از هر چیز دیگری، بنابراین اگر احساس می‌کنید که مجبور به نوشتن هستید، زیاد بنویسید. می‌دانید، آخرین روز ما با هم است، بنابراین باید یک تلاوت کوچک مزمور داشته باشیم، اینطور نیست؟ قرار نیست همه آنها را بخوانیم، اما من سه مورد را انتخاب کرده‌ام و امیدوارم حداقل یک یا دو مورد از آنها را دوست داشته باشید.

بفرمایید. شروع کنید.

پدر، ما بی‌نهایت سپاسگزاریم که ما را در طول یک ترم تحصیلی گرد هم آوردید.

اینکه تو ما را محافظت و هدایت کرده‌ای، که روح تو به ما آموخته است. پروردگارا، ما می‌دانیم که چیزهای زیادی برای سپاسگزاری داریم، بنابراین حتی در این روزهای آخر که فشارها زیاد است، دعا می‌کنیم که تو همچنان شادی نجات خود را در ما القا کنی. پروردگارا، به ما کمک کن تا واقعاً شاد و سپاسگزار باشیم و تشخیص دهیم که تمام هدایای خوبی که داریم، در واقع از جانب تو آمده است.

اینها فقط اتفاقات تصادفی نیستند. ما از شما به خاطر وجود یکدیگر سپاسگزاریم و برای هم دعا می‌کنیم. ما برای آرامش کسانی که در سختی هستند دعا می‌کنیم.

ما برای کسانی که ممکن است به آن نیاز داشته باشند، تلنگری می‌جویم. ما برای تشویق و آرامش دعا می‌کنیم. ما برای بهبودی دعا می‌کنیم.

پروردگارا، باشد که روح تو در تک تک ما و در جامعه ما عمیقاً فعال باشد. و پدران، ما تابستان امسال راه خود را از هم جدا خواهیم کرد. ما از تو هدایت و محافظت می‌خواهیم

هر یک از ما را نزدیک خود نگه دار. ما را در آغوش بگیر. باشد که ما در قلب تو باشیم

پدر، ما همچنین به نقاط آشفته جهان که حقیقت تو در آنها به شدت مورد نیاز است، توجه داریم. و برای کسانی که به طور فعال در رساندن آن حقیقت به فرهنگ‌های تاریک مشارکت دارند، دعا می‌کنیم. بنابراین، از تو می‌خواهیم که نور تو به آن مکان‌ها بتابد.

پروردگارا، ما این را نه به خاطر شایستگی خودمان، بلکه به خاطر شایستگی عیسی مسیح، که به نام او دعا می‌کنیم، درخواست می‌کنیم. آمین

خب، ما می‌خواهیم سه پیامبر آخر خود را انتخاب کنیم و انجام دهیم

و همانطور که گفتم، ما سعی خواهیم کرد در حدود ۳۵ دقیقه به این موارد پردازیم. بنابراین، ما قرار است حجی، زکریا و ملاکی را بررسی کنیم. قبل از انجام این کار، باید کمی پیشینه داشته باشیم، فقط مروری بر دفعه قبل از نظر زمینه تاریخی که این سه پیامبر در آن قرار می‌گیرند.

همانطور که خواهید دید، هر یک از آنها تا حدودی بر معبد تمرکز دارند. آنها دیدگاه‌های متفاوتی خواهند داشت. در واقع، ممکن است بخواهید فکر کنید، به خصوص همانطور که ابتدا حجی و سپس زکریا را بررسی می‌کنیم، از دریچه‌های مختلفی به مسائل معبد نگاه خواهیم کرد.

این را در نظر داشته باشید. و بعد ملاکی هم نظر خودش را در این مورد خواهد داشت. اما خب، شروع می‌کنیم.

اول از همه چند تا عکس. یه جورایی ما رو به فکر فرو می‌بره. فکر کنم قبلاً این یکی رو دیدیم

این در واقع ماکتی از محوطه معبد است. اینجا معبد است، درست همینجا. اینجا محوطه معبد است. همانطور که در زمان عیسی بود.

و دلیل اینکه من این را نشان می‌دهم این است که همانطور که حجی و به ویژه زکریا در مورد بازسازی معابد صحبت می‌کنند، همانطور که لازم بود. این کار باید در زمان آنها تکمیل و تمام می‌شد. آنها فقط در آن مقطع متمرکز نیستند.

وجود دارد که زیربنای پیشگویی‌های آنها را تشکیل می‌دهد و به معبدی که عیسی به آنجا خواهد آمد، نگاه می‌کند. جالب اینجاست که این مدل، یک مدل قدیمی نیست. این مدل با دقت بسیار بر اساس کار باستان‌شناسان و کار افرادی است که به منابع تاریخی، به ویژه منابع یهودی، به ویژه متنی به نام میشنا، که حتی اندازه‌های معبد را به شکلی که بود، معبد دوم، توصیف می‌کند، نگاه کرده‌اند.

بنابراین، همانطور که این مدل را می‌بینید، و کل این منطقه از سکو را می‌بینید، و سپس خود معبد، این رواق سلطنتی درست پشت آن در ضلع شرقی است، نمی‌توان آن را دید، رواق سلیمان است. چیزی که ما در واقع داریم این است که انجیل‌ها، آموزه‌های عیسی را در آن زمینه بخوانیم. بنابراین، این را در نظر داشته باشید

حالا، بعد از آن، کمی به عقب برمی‌گردیم. و ضمناً، می‌دانید، این چیزی است که احتمالاً در عهد جدید انجام داده‌اید، بنابراین اصلاً برای شما تازگی ندارد. اما این فقط یک شوخی کوچک من است تا شما را به فکر آمدن دوباره به اسرائیل بیاندازم.

این آخرین فرصتی است که برای انجام این کار دارم. کمی به عقب برمی‌گردیم و به این فکر می‌کنیم که برای قوم خدا که در شهر داوود زندگی می‌کردند، چگونه بود. در زمان عزرا و نحمیا، شهر دوباره کوچک شده است.

شاید یادتان باشد وقتی درباره حزقیا صحبت کردیم، درباره گسترش شهر از روی این عکس به مناطقی در اینجا صحبت کردیم. وقتی نحمیا برگردد و شروع به کار روی دیوارهایی کند که درباره‌شان خوانده‌اید، اگر مطالب امروز را خوانده باشید، دوباره یک شهر کوچک شده است. بنابراین ما داریم درباره این منطقه کوچک همینجا صحبت می‌کنیم.

و البته، کوه معبد، همانطور که امروز می‌بینیم، منطقه‌ای بوده که آنها شروع به بازسازی معبد دوم نیز کرده‌اند. بنابراین، بله، ربکا، ادامه بده. من فقط داشتم فکر می‌کردم، پس معبدی که آنها در حال بازسازی آن هستند و ما الان در موردش می‌خوانیم، همان معبدی است که عیسی در آن است، درست است؟ بله، سوال خوبی است.

معبدی که در زمان داریوش درباره‌اش می‌خوانیم، تکمیل شده و همان پی‌ها را دارد. باید این را با دقت بگویم، زیرا اگرچه از سال ۵۱۶ که تکمیل شد تا تخریبش در سال ۷۰ میلادی، معبد دوم نامیده می‌شود، اما وقتی هیروودیس کبیر از راه می‌رسد و این کار را اینجا انجام می‌دهد، آنقدر آن را به طرز چشمگیری تغییر می‌دهد و گسترش می‌دهد که از بعضی جهات، در واقع معبد سوم است. اما هیچ‌کس اینطور در مورد آن صحبت نمی‌کند.

بنابراین ما از همان اصطلاح استفاده خواهیم کرد، شاید با کمی علامت نقل قول در اطراف آن. سوال خیلی خوبی است. خب، آماده‌اید ادامه بدهیم؟ عالی.

بیایید اول از همه در مورد بررسی زمینه‌های تاریخی صحبت کنیم. این از دفعه قبل شروع می‌شود، فقط به خودمان یادآوری می‌کنیم که کار این پیامبران در کجا قرار است قرار بگیرد. بسیار خوب.

خب، ما در مورد فرمان کوروش در سال ۵۳۹ صحبت کردیم، و همانطور که فصل ۳ کتاب عزرا را می‌خوانیم به یاد خواهید آورد که آنچه در حال انجام است، آغازی شاد در معبد است. آنها پایه‌ها را می‌گذارند، محراب را بازسازی می‌کنند و جشن می‌گیرند، اما سپس مخالفت شروع می‌شود. و از حدود سال ۵۳۹ تا ۵۲۰، آنها به همین دلیل متوقف شده‌اند.

در زمان داریوش، داریوش اول، ما واقعاً این کار را به پایان رسانده‌ایم. و همانطور که دفعه قبل به شما اشاره کردم، این ممکن است نوعی مانور سیاسی از جانب او باشد. او می‌داند که اگر بخواهد به غرب و جنوب، به ویژه به مصر، گسترش یابد، افرادی را در جبهه خود خواهد داشت که طرفدار او هستند.

چه راهی بهتر از این که با تشویق آنها به بازسازی معبد، آنها را راضی نگه دارید؟ خب، این در دوران سلطنت داریوش اول است. یوشع و زروبابل شخصیت‌های کلیدی هستند. دفعه قبل در مورد آنها صحبت کردیم. همانطور که در کتاب عزرا آمده‌اند.

ما همچنین آنها را در پیامبرانی که امروز صبح از آنها یاد خواهیم کرد، می‌بینیم. و البته، حجتی و زکریا صداهای کلیدی نبوت هستند. بعد از یک نکته دیگر، ابتدا به حجتی می‌پردازیم.

فقط یک یادآوری از دفعه قبل: بین تکمیل معبد و اتفاقی که هنگام آمدن عزرا و نحمیا می‌افتد، فاصله زمانی وجود دارد. چون ما، خب، حدود ۵۰ سال، شاید کمی بیشتر، ۶۵ سال را در پیش داریم. وقتی عزرا برای اولین بار می‌آید، به نظر می‌رسد حدود ۴۶۵ باشد، اما به نظر نمی‌رسد که خود اصلاحات تا حدود ۴۵۰ اتفاق بیفتد، اگرچه در مورد تاریخ‌گذاری این موضوع، ابهاماتی وجود دارد.

به خاطر داشته باشید که کل روایت استر در اینجا اتفاق می‌افتد. درست است؟ چون ما استر را در این فضای خالی داریم. پادشاه خشایارشا اول در دهه ۴۸۰ میلادی زندگی می‌کند.

خب، این چارچوب تاریخی ما را تشکیل می‌دهد. حالا، بیایید سه پیامبری را که می‌خواهیم در موردشان صحبت کنیم، انتخاب کنیم. اولین پیامبر، حجی است، یا اگر بخواهیم به تلفظ عبری صحبت کنیم، حجی است.

مثلاً حجی. او با یک پیام فوق‌العاده امروزی شروع می‌کند. اولویت‌هایتان را مشخص کنید.

آیه چهار، فصل اول. آیا وقت آن رسیده است که خودتان در خانه‌های قاب‌بندی‌شده‌تان زندگی کنید؟ خب، این خانه، یعنی معبد، خانه من، خدا می‌گوید، همچنان ویرانه است. دلیل اینکه می‌گویم این به طرز خیره‌کننده‌ای امروزی است، خب، ما همیشه آن را در خودمان می‌بینیم.

ما اول از همه مشغول خدمت به خودمان هستیم. ما تمام لباس‌هایی را که می‌خواهیم می‌خریم. ما این کار را انجام می‌دهیم.

ما داریم این کار را می‌کنیم. داریم یک ماشین جدید می‌گیریم. همه ما نگران وام مسکن خانه‌مان هستیم.

و گاهی اوقات، نگرانی ما برای کار خدا و کار پادشاهی در جایگاه دوم، سوم یا چهارم قرار می‌گیرد. بنابراین، بگذارید فقط بگویم که می‌دانید، با این حال، شما می‌خواهید این را برای بستر معاصر خودمان بازسازی کنید، حجی نه تنها در مورد چیزهایی مربوط به ۲۵۰۰ سال پیش صحبت می‌کند، بلکه در مورد زمان حال نیز صحبت می‌کند.

به راه‌هایتان با دقت فکر کنید. زیاد کاشته‌اید، اما کم برداشت کرده‌اید. می‌خورید، اما هرگز سیر نمی‌شوید.

به عبارت دیگر، این واقعیت که آنها آنطور که باید با جایگاه عهد خود رفتار نمی‌کنند، به این معنی است که عواقب آن را متحمل می‌شوند، درست است؟ دوباره، به روش‌های خود با دقت فکر کنید، آیه هفت. به کوه‌ها بروید، چوب بیاورید و این خانه را بسازید تا من از آن لذت ببرم. و بنابراین بدیهی است که آنها این کار را انجام خواهند داد زیرا حجی آنها را ترغیب می‌کند.

نکته بعدی که او باید بگوید، و این در واقع اواسط فصل دوم است، از بعضی جهات، من قصد دارم به بخش اول فصل دوم برگردم؛ از بعضی جهات، کاری که او انجام می‌دهد این است که از پرسنل معبد یک آزمون کوچک می‌گیرد. وقتی فصل دوم را می‌خوانید، اساساً اتفاقی که می‌افتد این است که کاهنان در حال آزمایش هستند تا ببینند آیا آماده‌اند دوباره در معبد کار کنند یا خیر. از کاهن پرسید که قانون چه می‌گوید، فصل دوم آیه ۱۱.

اگر شخصی گوشت تقدیس شده را در چین لباس خود حمل کند و آن چین با چیز دیگری تماس پیدا کند، آیا آن تقدس منتقل می‌شود؟ این یک آزمون است. آیا آنها این اصول مسری بودن گناه و انتقال تقدس را

می‌دانند؟ پاسخ منفی است. از سوی دیگر، سوال بعدی نه تنها آزمونی برای کاهنان است تا ببینند آیا آماده عمل هستند یا خیر، بلکه پیامی نیز دارد.

توجه کنید، اگر شخصی که با تماس با جسد مرده نجس شده است، یکی از این چیزها را لمس کند، آیا آن چیز، خود نجس می‌شود؟ بله، می‌شود. و سپس حجی با درس سخت‌تری که من همین الان اینجا به آن اشاره کردم، ادامه می‌دهد. بنابراین، در مورد این قوم و این ملت نیز همینطور است.

هر کاری که انجام می‌دهند و هر چیزی که ارائه می‌دهند، آلوده است، زیرا خودشان آلوده شده‌اند و به نوعی تطهیر نیاز دارند. بنابراین درس‌های بسیار جالبی وجود دارد که درست در فصل دوم گنجانده شده‌اند. و در نهایت، ما وعده‌هایی داریم و آنها به نوعی پایان بخش مرکزی فصل دوم هستند.

اول از همه، تأکید بر روح است. آیه دوم از فصل دوم، با زروبابل صحبت می‌کند. به یاد داشته باشید، او کسی است که در نسل پادشاهی، نسل سلطنتی قرار دارد.

و او می‌گوید، کدام یک از شما این خانه را در شکوه سابقش دیده‌اید؟ به عبارت دیگر، معبد سلیمان واقعاً معبد باشکوهی بود. و این یکی کوچک‌تر است. بسیار خوب، اما او می‌گوید، نگران نباشید، قوی باشید.

روح من در میان شما می‌ماند. آیه پنجم: نترسید. کل مفهوم کمک ارواح دوباره در زکریا به طور عمیقی ظاهر خواهد شد.

بنابراین، از آنجایی که تمرکز ما بر معبد است، علیرغم مخالفت‌ها، علیرغم ترس آنها، خدا از طریق حجی در اینجا، در زکریا، می‌گوید که روح من بخشی از این تصویر خواهد بود. بسیار خوب، روح من در میان شما می‌ماند. نترسید.

و سپس ادامه می‌دهم، در مدت کوتاهی، آسمان‌ها و زمین را به لرزه در خواهیم آورد. این عبارتی است که در عاموس نیز داشتیم. این چیزی است که مداخلات خدا را معرفی می‌کند.

او می‌گوید: «من آسمان‌ها و زمین را به لرزه در خواهیم آورد. من تمام ملت‌ها را به لرزه در خواهیم آورد و آرزوهای همه ملت‌ها برآورده خواهد شد و من این خانه را با شکوه پر خواهیم کرد.» حال، برخی این را به سادگی اینگونه تفسیر می‌کنند که ثروت زیادی به این معبد سرازیر خواهد شد.

آرزوی همه ملت‌ها را می‌توان صرفاً ورود ثروت به معبد تعبیر کرد. و همینطور هم می‌شود. بعداً، پسر، در معبد هیروودیس تجمل زیادی وجود دارد.

اما اجازه دهید به شما بگویم که چیز دیگری هم در جریان است، زیرا خواست همه ملت‌ها می‌تواند پیامدهایی در مورد اینکه چه کسی قرار است بیاید، داشته باشد. و به خصوص وقتی که می‌گوید، من این خانه را با جلال خود پر خواهیم کرد.

در آیه نهم، جلال این خانه فعلی از جلال خانه قبلی بیشتر خواهد بود، حتی اگر این خانه برای آنها کوچک به نظر برسد. و باز هم، ممکن است اشاره‌ای به این واقعیت باشد که عیسی قرار است به این معبد بیاید. بسیار خوب.

در نهایت، درست در انتهای کتاب، وعده‌هایی برای زروبابل نیز وجود دارد. من تو را خواهم برد، زروبابل، پسر شالتیئیل. من تو را مانند انگشتی مژهر بر انگشت خود خواهم کرد زیرا تو را برگزیده‌ام.

حالا، شخصیت زروبابل در کتاب زکریا اهمیت پیدا می‌کند. اما این خلاصه‌ای از کتاب حجی است. متوجه شدید؟ تمام این مواردی را که باید در مورد مسائل کلیدی هر یک از این پیامبران کوچک روی آنها کار کنید، به خاطر داشته باشید، به خصوص اگر همه آنها با هم قاطی شوند.

به حجی فکر کنید. به بازسازی معبد همین الان فکر کنید. این پیام واقعی حجی بود.

اولویت‌هایتان را مشخص کنید. بسیار خوب، حالا می‌خواهیم به سراغ زکریا برویم، جایی که کمی بیشتر به جنبه‌ی آخرالزمانی آن می‌پردازیم. بله، او در مورد بازسازی آن صحبت می‌کند، اما تمرکز بیشتری روی برخی از مسائل بلندمدت خواهد داشت.

و حدس بزنید چی شد؟ زکریا قرار است از آخرالزمان استفاده کند. و ما قرار است کمی بعد آن را مرور کنیم. خوب، بخش اول زکریا رؤیاهاست.

خوب، رؤیاهای آخرالزمانی. و همانطور که برایتان توضیح می‌دهم، همه آنها نه تنها به اورشلیم در زمان حال بلکه به این نگاه بلندمدت‌تر به آینده، نگاهی به اورشلیم در آینده و همچنین به زمینه شر پیرامون آن نیز می‌پردازند. ویژگی‌های آخرالزمانی چیست؟ تازه دوباره این را فهمیدم چون اینجا رؤیاهای آخرالزمانی داریم.

ویژگی اصلی این است که فرد مشتاقانه منتظر زمانی است که خوبی پیروز شود زیرا اوضاع بسیار وخیم است در مقاطع زمانی مشخصی که این چیزها ظاهر می‌شوند. چه چیز دیگری؟ تصاویر خارق‌العاده، درست است، و رؤیاهای نمادین.

رؤیاهای خواب‌ها، نمادها، اعداد نمادین - شما این‌ها را در کتاب زکریا خواهید دید، نه تنها در این شش فصل اول، بلکه بعداً وقتی در مورد چوپانان صحبت می‌کنیم نیز. بنابراین، زکریا مقدار قابل توجهی از مطالب آخرالزمانی را به کار خواهد برد. بیایید ببینیم که این رؤیاهای خاص چگونه به وقوع می‌پیوندند.

بنابراین، به عبارت دیگر، من الان روی شش فصل اول تمرکز می‌کنم. خوب، پنج فصل و نیم. همانطور که آنها را برای امروز خوانده‌اید، دیده‌اید که آنها از قبل برنامه‌ریزی شده‌اند.

آنها توسط اسب‌ها و سوارکاران مهار شده‌اند. و این چیزی را نشان می‌دهد. بسیار خوب، یک چارچوب وجود دارد، و به نظر من، در مورد کنترل مطلق خداوند بر تمام این چیزهایی است که در شرف آشکار شدن هستند.

کمی بعد به سراغ آنها خواهیم رفت و نگاهی به رؤیاهای خواهیم انداخت، اما می‌خواهم ابتدا ساختار را ببینیم. در میانه‌ی این چارچوب، باز هم، این واقعیت را نشان می‌دهد که خداوند به طور کامل بر تمام این چیزهایی که قرار است اتفاق بیفتند، کنترل دارد. همانطور که به این رؤیاهای میانی نگاه می‌کنید، اول از همه، تمرکز بر اورشلیم است.

و چند رؤیا وجود دارد که به این موضوع می‌پردازد. سپس، آنها بر معبد و پرسنل مرتبط با معبد تمرکز می‌کنند. پرسنلی که نه تنها در کار در آن دخیل هستند، بلکه در بازسازی آن نیز نقش دارند.

و این به طور خاص مربوط به یوشع، کاهن اعظم، و زروبابل خواهد بود. خوب، فصل‌های سه و چهار قرار است این کار را انجام دهند. و در نهایت، قرار است روی دگرگونی مردم کار کند.

ما قرار است رؤیاهایی ببینیم که مربوط به دگرگونی مردم است. واضح است که شما باید یک معبد با یک کاهن فعال داشته باشید. چون این نماد چیست؟ بیایید به تورات برگردیم.

حضور خدا، فرآیند قربانی، برای این بود که واسطه‌ای را که برای رسیدن انسان‌های گناهکار به خدای مقدس لازم است، عملی کند. بنابراین، قبل از اینکه بتوانیم در مورد این رؤیاهایی که دگرگونی مردم را نشان می‌دهند صحبت کنیم، معبد باید فعال باشد. بنابراین، کل مجموعه رؤیاهای آخرالزمانی نظم و ترتیب خوبی دارند.

اگر بخواهید، چارچوب خوبی است. خوب، بیایید به چشم‌اندازها نگاهی بیندازیم. من در واقع فقط روی چند مورد از آنها تمرکز خواهم کرد.

ما سریع از آنها عبور خواهیم کرد، اما من می‌خواهم به طور خاص روی مواردی که در فصل‌های سه و چهار هستند تمرکز کنم، و خواهید دید که چرا. اینها مواردی هستند که مربوط به پرسنل معبد هستند. اما بفرمایید.

چهار سوارکار در حال گشت‌زنی. این اولین نفر است. و من به شما می‌گویم که این نشان دهنده‌ی محافظت خداوند است.

و دوباره، به یاد داشته باشید که چارچوب ما حاکمیت خدا را نشان می‌دهد. و بنابراین، در اینجا، خدا از قوم خود محافظت می‌کند. این همان چیزی است که این چهار سوارکار به تصویر می‌کشند.

شما همچنین چهار شاخ دارید. و شاخ‌ها نیروهای بدی هستند. متن به ما می‌گوید فصل اول، آیه ۱۹.

اینها شاخ‌هایی هستند که یهودا، اسرائیل و اورشلیم را پراکنده کردند. اما صنعتگران کسانی خواهند بود که آن شاخ‌ها را به پایین می‌اندازند و از شر آنها خلاص می‌شوند. آن نیروهای خارجی به اورشلیم آسیب رسانده‌اند.

خوب، این اولین مجموعه مطالب بود. حالا، می‌خواهیم روی یک روستای دیگر در اورشلیم تمرکز کنیم. اوه، متأسفم.

یکی را فراموش کردم. وسیله اندازه‌گیری را هم فراموش کردم. وای، چه وحشتناک.

بعد از چهار شاخ و صنعتگران، یک یادداشت کوچک بگذارید، اورشلیم اندازه‌گیری کرد. باشه، اون یکی رو جا انداختم. این فصل دومه.

چیزی که در ادامه می‌گوید این است که نه تنها آنها برای آن نقطه خاص از زمان، آیه پنجم از فصل دوم اندازه‌گیری می‌شوند، بلکه من خودم دیواری از آتش در اطراف آن خواهم بود و جلال آن در درون آن خواهم بود. بنابراین، یک وعده درازمدت. نه فقط در آنجا، بلکه چیزی که نسبتاً گسترده باشد، من اینجا پیشنهاد می‌کنم.

بسیار خوب، و بعد آیه ده از فصل دوم. من می‌آیم. من در میان شما زندگی خواهم کرد، خدا می‌گوید.

بسیاری از ملت‌ها در آن روز به پروردگار خواهند پیوست و قوم من خواهند شد. پس، مرا ببخش، این یکی را فراموش کردم. با این حال، جایی که واقعاً می‌خواهیم وقت خود را صرف کنیم، فصل سوم است.

چون حالا ما از اورشلیم مراقبت می‌کنیم، و باید کارکنان معبدمان را فعال نگه داریم. پس بیایید کمی این را بخوانیم. فصل سوم، آیه اول.

سپس او یوشع یا یوشع را به من نشان داد. کاهن اعظم، ایستاده در مقابل فرشته خداوند. و چه کسی آنجاست؟ بله، متهم کننده.

ها ساتان در زبان عبری به معنی متهم کننده است. این همان کلمه‌ای است که در فصل اول کتاب ایوب آمده است. بسیار خوب.

شیطان در دست راست او ایستاده است تا او را متهم کند. آیه دوم. خداوند به شیطان گفت: ای شیطان، خداوند تو را توبیخ کند.

خداوند تو را توبیخ کند. آیا این مرد چوب سوزانی نیست که از آتش ربوده شده باشد؟ آیه سوم. حال یوشع لباس کثیف پوشیده بود.

چرا کاهن اعظم در این رؤیا لباس کثیف پوشیده است؟ کمی عجیب است، اینطور نیست؟ یادتان باشد، قرار بود کاهن اعظم آن لباس‌های فوق‌العاده، این ردای بنفش، ایفود، سینه‌بند و تاج را بر تن داشته باشد. چرا او در رؤیا لباس کثیف پوشیده است؟ ربکا؟ خب، این می‌تواند یک چیز باشد، یک نمایش بیرونی از گناه درونی او. خب، پیشنهاد می‌کنم می‌توانیم آن را حتی فراتر ببریم.

چلسی؟ خب، و به چه نحوی نماینده مسیح؟ چون مسیح آشکارا پلیدی ذاتی در ذات خود ندارد. و رسالت عیسی از طرف ما چیست؟ حتی فراتر برویم. او گناهان ما را به دوش می‌کشد، اینطور نیست؟ خب، و اگر به هر نحوی این یوشع به آینده نگاه می‌کند، و من به شما در لحظه‌ای پیشنهاد می‌دهم که به دلایلی که در متن آمده است، همینطور است، اگر به هر نحوی این یوشع به آینده نگاه می‌کند، پس این لباس کثیفی که پوشیده نه تنها نقص‌ها و گناهان درونی خودش است، بلکه می‌تواند نمایانگر تحمل بار گناه انسان توسط او باشد.

بسیار خب؟ یوشع لباس‌های کثیف پوشیده بود. فرشته گفت، لباس‌های کثیفش را درآور. او به یوشع می‌گوید، من گناه تو را برداشتم و لباس‌های فاخر و عمامه تمیز و غیره به تو خواهم پوشانم.

و حالا به آنچه بعد از آن، از آیه ۸ شروع می‌شود، گوش دهید. ای یوشع، کاهن اعظم و یارانت، که مردانی نماد چیزهای آینده هستید، گوش دهید. به همین دلیل است که می‌گوییم این فقط مربوط به یوشع نیست. فقط مربوط به آن زمینه خاص نیست.

متن می‌گوید که شما نمادی از چیزهای آینده هستید. سپس ادامه می‌دهد: ببینید، من می‌خواهم بنده‌ام، شاخه را بیاورم.

خب، ما قبلاً در کتاب ارمیا دیده‌ایم که این اصطلاح، شاخه، به شخصیت مسیحایی اشاره دارد، درست است؟ و دوباره اینجا است. سنگی که من جلوی یوشع گذاشته‌ام، هفت چشم روی آن سنگ وجود دارد و من می‌خواهم کتیبه‌ای روی آن حک کنم. این در کتاب مکاشفه در میان وعده‌هایی که به کلیساها داده می‌شود، وقتی که وفادار باشند، آمده است، درست است؟ بنابراین، چیزهای بسیار جالبی وجود دارد که قرار است طولانی مدت و همچنین مربوط به آن مقطع زمانی خاص باشند.

حالا، در این مرحله، اگر کتاب مقدس خود را در رایانه یا جای دیگری دارید، به فصل ۶، بخشی که اینجا یادداشت کرده‌ام، بروید، زیرا اگرچه در این مرحله از رؤیاهای آخرالزمانی فراتر رفته‌ایم، اما قرار است کمی به

همان موضوع بپردازیم و می‌خواهیم به آن نگاهی بیندازیم. فصل ۶، آیه ۱۱. نقره و طلا را بردارید، تاجی بسازید و آن را بر سر کاهن اعظم، یوشع، بگذارید.

تاج بر سر کاهن اعظم. به او بگو، این چیزی است که خداوند متعال می‌گوید. این مردی است که نامش شاخه است و قرار است از مکان خود شاخه بزند و معبد خداوند را بسازد. او معبد را خواهد ساخت

او ملبس به لباس جلال و شکوه خواهد بود. او بر تخت خود خواهد نشست و حکومت خواهد کرد، و او کاهن بر تخت خود خواهد بود، و بین این دو هماهنگی وجود خواهد داشت. باز هم، من فقط برای لحظه‌ای فکر می‌کنم.

وقتی یهودیان به سرزمین خود بازگشتند، یک مرد کاهن بود و مرد دیگری نماینده‌ی خاندان سلطنتی، دو فرد جداگانه، اما اینجا ما به کسی نگاه می‌کنیم که قرار است هر دوی این ویژگی‌ها را در یک شخص جمع کند. او تاجی بر سر دارد که نمایانگر نقش‌های پادشاهی و کاهنی اوست، و البته، این را با آنچه در فصل ۳ به آن پرداختیم، ترکیب می‌کنید و انواع و اقسام نشانه‌هایی از آنچه در خدمت و کار مسیح می‌بینیم، در آن وجود دارد. آیا این منطقی است؟ بسیار خوب، خوب.

رؤیای بعدی. باید کتاب مقدس را دم دست داشته باشم چون این یکی هم به همان اندازه جالب است. این یکی به زروبابل می‌پردازد.

قبلی، یوشع، درست‌ه؟ اما اینجا با زروبابل، چیزهای خیلی جالبی داریم. فرشته می‌گوید، چه می‌بینی؟ و البته زکریا یک چراغدان طلائی می‌بیند، با حروف برجسته در بالای آن، هفت چراغ روی آن، هفت کانال به نور، دو درخت زیتون. و دوباره، همانطور که این را می‌خوانیم، و من قرار نیست همه چیز را بخوانم، اما دخالت عمیق روح را می‌بینیم.

فرشته می‌گوید، آیا می‌دانی این چیست؟ و البته، زکریا می‌گوید، نه، نمی‌دانم. و بنابراین، فرشته با آیه ۶ پاسخ می‌دهد، و این، مطمئنم اگر در کلیسا بزرگ شده باشید و سرودهای کوچک بخوانید، این یکی از سرودهایی است که خوانده‌اید، بخشی از آن است. این کلام خداوند به زروبابل است، نه با قدرت، نه با قدرت، بلکه با روح من.

این یک جامعه کوچک و ناچیز است. این مردم محاصره شده‌اند، با مخالفت مبارزه کرده‌اند، و با این حال خدا می‌گوید، این قدرت نخواهد بود، این قدرت نخواهد بود، این به وسیله روح من است که همه این کارها انجام خواهد شد، دقیقاً همان چیزی را که در کتاب حجی دیدیم، تکرار می‌کند. روح خدا آنها را توانمند خواهد کرد تا آنچه را که باید انجام شود، انجام دهند.

وعده‌های عظیمی در آنجا داده می‌شود. و البته، آنها ادامه می‌دهند و در مورد چشمان خداوند که در سراسر زمین گسترده است، درختان زیتون، شاخه‌های زیتون و درختان زیتون که افراد مسح شده هستند، صحبت می‌کنند. بله، کریستن؟ اشاره به پایه زیتون و درختان زیتون از چه چیزی آمده است؟ همه اینها فصل ۴ است. که من به نوعی در اینجا خلاصه می‌کنم.

احتمالاً باید این را به شما می‌گفتم. در فصل ۴، آیه ۱۴ آمده است که درختان زیتون کسانی هستند که برای خدمت به پروردگار تمام زمین مسح شده‌اند. بنابراین، به نوعی، دوباره، ما اشاره‌ای به دو مقام مسیحایی داریم. که با هم ادغام می‌شوند.

حالا، کلی بحث هست که چطور میشه این رو فهمید، و معنی‌ش چیه، و اینکه قراره توی کتاب مکاشفه هم بیاد، و شاید شما هم توی عهد جدید به این موارد برخورد داشته باشید. اما حدس بزنید چی شد؟ باید ادامه بدیم. این غم‌انگیز نیست؟ توی کلاس دکتر ویلسون شرکت کنید.

کاتلین، این یه سواله؟ باشه، باشه. یادت هست بعد از اینکه در مورد معبد و پرسنل معبد صحبت کردیم، گفتم آماده‌ایم در مورد دگرگونی مردم صحبت کنیم؟ و این چیزیه که قراره در فصل ۵ ببینی. ببخشید، فصل اول از همه، یه طومار پرنده هست. ۵.

اصلاً طومار پرنده اصلاً برای چیست؟ و ضمناً، مثل یکی از شاگردانم که سال‌ها پیش آن را قالیچه پرنده نامید، نباشید. این یک طومار پرنده است. و نفرین‌هایی روی آن نوشته شده است، و اینها نفرین‌های عهد هستند.

اما قراره یه نابودی شیطانی اتفاق بیفته. این اتفاقیه که داره میفته، درسته؟ من میفرستمش بیرون. قراره ببخشید، من میفرستمش بیرون.

به خانهای کسانی که دزدی کرده‌اند و کسانی که به دروغ به نامی سوگند یاد کرده‌اند، وارد خواهد شد. این قوم را نابود خواهد کرد. نفرین‌های عهد به وقوع خواهد پیوست.

عهد اینجا تحت تأثیر قرار خواهد گرفت. یکی دیگر. یک سبد.

یه سبد که یه درپوش سربی داره، چون سرب سنگینه. تو سبد چیه؟ چه منظری جذابی. آره، رفیق.

بله، جالب اینجاست که این زنی است که نماینده‌ی شر است، و توجه داشته باشید که او به اندازه‌ی کافی قدرتمند است، یعنی شر به اندازه‌ی کافی قدرتمند است که این پوشش سربی را کنار بزند. و با این حال، چه اتفاقی می‌افتد؟ دو زن دیگر از راه می‌رسند و سبد را می‌گیرند و شر را با خود می‌برند. در واقع، جالب اینجاست که آن را به بابل می‌برند.

بسیار خب. اما ما به شکلی نسبتاً دراماتیک، حذف آن سبدی را داریم که تمام آن شر را در خود جای داده است. حذف آن سبد شر.

و در نهایت، از نظر پایان‌بندی، فصل ۶، بخش اول آن، ارباب‌ها هستند. چهار ارباب، سوارکاران، و باز هم، اگر مطالب عهد جدید را به خاطر داشته باشید، این تصویری است که در کتاب مکاشفه به آن اشاره شده است. در واقع، فصل ۶ مکاشفه، چهار سوارکار کلاسیک آخرالزمان است.

این مستقیماً از ارمیا می‌آید. ببخشید، نه ارمیا. ما اینجا مستقیماً از زکریا می‌آیم.

خب، اینها رؤیاهای آخرالزمانی هستند. حالا، باید به بقیه‌ی کتاب پردازیم. آره، کیلین.

ببخشید، دوباره بگو. باشه، آره. نه، به همین خاطر که اون، می‌دونی، به همین خاطر که اون توصیف خاص داره منتظر یه چیزیه.

بنابراین، ما به نوعی آن موضوع فصل ۶ را انتخاب می‌کنیم و آن را به موضوع فصل ۳ پیوند می‌دهیم که می‌گوید، شما و مردانتان نمادی از چیزهای آینده هستید، زیرا در عیسی است که ما شاهد به هم پیوستن آن چیزها هستیم. حال، این را می‌گوییم، و سپس به شما اجازه می‌دهم، ببخشید که حرفتان را قطع کردم. در طول

دوره بین دو عهد، اعضای سلسله حشمونیان بودند که درباره آنها در عهد جدید خوانده‌اید. اعضای سلسله حشمونیان بودند که هم پادشاه و هم کاهن شدند.

آنها منصوب شده‌اند، اما این به معنای اتمام کار نیست. و در واقع، در آن مرحله بسیاری از مردم را عصبانی می‌کند. حالا، ببخشید که حرفتان را قطع کردم.

خب، بله، این یک رؤیا نیست. می‌دانید، از نظر فنی جزو تجربیات آخرالزمانی رؤیایی نیست، اما به نظر من اینجا کاری در حال انجام است و اینکه اینجا گفته می‌شود، به آینده نگاه می‌کند. بنابراین بله، این یک جمله‌ی نبوی است.

آیا این منطقی بود؟ درست است. بله، درست است. او اینطور نبود.

ممنون. لازم بود این موضوع روشن بشه. باشه.

در ادامه، نکات بسیار مهم دیگری هم داریم که زکریا باید بگوید. فصل‌های ۷ و ۸. مطالب موعظه‌ای فوق‌العاده. مطالب موعظه‌ای فوق‌العاده.

چون اگر فکر نمی‌کنید که یکی از مشکلات اصلی بشریت دروغ است، پس سرتان را زیر برف فرو کرده‌اید. بسیار خب. همه ما با آن دست و پنجه نرم می‌کنیم، و یکی از توصیه‌های قوی در این دو فصل، اهل حقیقت بودن است.

عدالت نیز، اما اهل حقیقت. بسیار مهم. در فصل‌های ۹ و ۱۰، به برخی از ملت‌های اطراف پرداخته شده است.

شما چند شهر بسیار کلیدی را خواهید دید که قبلاً نامشان را شنیده‌اید. اشکلون، اشدود، غزه. از شهرهای فلسطین نام برده شده است، اما از شهرهای دیگری نیز نام برده شده است.

بنابراین، زکریا قصد دارد ملت‌های اطراف را مورد خطاب قرار دهد. در فصل ۱۱، او تصویری را برمی‌گزیند که از خواندن ارمیا نیز برای ما آشناست. این ایده کلی از چوپانان و چوپانان نمایانگر پادشاهان هستند.

حال، متی نیز به این موضوع اشاره خواهد کرد. آن تصاویری که در فصل ۱۱ آمده‌اند و متونی که در فصل ۱۱ آمده‌اند، در رابطه با آخرین وقایع زندگی عیسی در طول هفته مصائب، دوباره در انجیل‌ها ظاهر می‌شوند. در ادامه بیشتر در مورد آن صحبت خواهیم کرد.

در نهایت، در فصل‌های ۱۲ تا ۱۴، ما بازسازی یا تأسیس مجدد اورشلیم را داریم. حال، چیزهای زیادی در اینجا گفته شده است، اما اجازه دهید فقط به سه مورد مهم اشاره کنم. اول از همه، همه اینها بر اساس طرح حاکمانه خداوند است.

فصل ۱۲، آیه ۱. خداوندی که آسمان‌ها را گستراند، که بنیاد زمین را نهاد، و که روح بشر را در آنها شکل داد بسیار خوب، خدا به عنوان خالق، اکنون خواهد گفت، من اورشلیم را به چیزی تبدیل خواهم کرد. اول از همه، این برای اطرافیان یک جام شراب خواهد بود.

اما اورشلیم قرار است بازسازی شود، و این بازسازی بر اساس فرمان خداوند به عنوان خالق و ارباب مطلق جهان هستی است. دومین نکته‌ای که می‌خواهیم در این مورد به آن اشاره کنیم این است که قرار است اتفاق مهمی برای خاندان داوود رخ دهد. آیه ۸ از فصل ۱۲

در آن روز، خداوند از ساکنان اورشلیم محافظت خواهد کرد تا ضعیف‌ترین آنها مانند داوود باشند، و خاندان داوود، آیا برای این آماده‌اید، مانند خدا خواهند بود. مانند فرشته خداوند که پیشاپیش آنها می‌رود. و سپس به چیزی حتی قوی‌تر ادامه می‌دهد و می‌گوید، و من بر خاندان داوود و ساکنان اورشلیم روح فیض و تضرع را خواهم ریخت.

آنها به من، همان که به او نیزه زده‌اند، نگاه خواهند کرد. این خداست که می‌گوید، فهمیدی؟ و برای او مانند کسی که برای فرزند یگانه‌اش سوگواری می‌کند، سوگواری خواهند کرد، و مانند کسی که برای پسر نخست‌زاده‌اش سوگواری می‌کند، به تلخی برایش سوگواری خواهند کرد. باز هم، فکر نکنید که در اینجا توهماتی وجود ندارد که در روایت‌های انجیل و فراتر از آن به آنها اشاره شده است.

چیزهای خیلی مهمی هستند. خب، فقط یک چیز دیگر. گفتم دو چیز بود، منظورم سه چیز است، و ما قبلاً دو تا را انجام داده‌ایم.

فصل ۱۴ درباره‌ی گرد هم آمدن مردم در اورشلیم و یک نبرد نهایی و فاجعه‌بار صحبت می‌کند. در این زمینه، در فصل ۱۴، آیه ۴ آمده است: در آن روز، پاهای خداوند بر کوه زیتون در شرق اورشلیم خواهد ایستاد و کوه زیتون از شرق تا غرب به دو نیم تقسیم خواهد شد. و سپس به توصیف آنچه پس از آن اتفاق خواهد افتاد، ادامه می‌دهد.

همین واقعیت که متن می‌گوید پاهای خداوند قرار است بر کوه زیتون فرود بیاید. برای آن دسته از شما که روزی به اسرائیل خواهید رفت، یکی از چیزهایی که خواهید دید این است که کوه زیتون پوشیده از قبر است. فقط پر از قبر است.

قرن‌ها و قرن‌ها و قرن‌ها آنجا دفن شده‌اند. دلیلش این است که یهودیان ارتدکس می‌خواهند جایی باشند که خدا قرار است برگردد. در ذهن آنها، وقتی خداوند برگردد، این متن می‌گوید که او قرار است به کوه زیتون بیاید، و آنها می‌خواهند درست آنجا باشند.

در واقع، یک افسانه‌ی خاخامی فوق‌العاده وجود دارد که می‌گوید اگر در اورشلیم دفن نشوید، به نحوی، از طریق تونلی زیرزمینی به کوه زیتون خواهید رسید. بنابراین، وقتی خداوند بازگردد، آنجا خواهید بود. این یک افسانه‌ی خاخامی زیباست.

بسیار خوب. ما فقط باید اشارات کوتاهی به زکریا و انجیل‌ها داشته باشیم. و همانطور که گفتم، اینها جذاب هستند زیرا همه آنها، نویسندگان انجیل، در هفته مصائب، مطالب مربوط به زکریا را در رابطه با عیسی مسیح مطالعه می‌کنند.

:خب، خیلی سریع، و فکر می‌کنم این‌ها را در رئوس مطالب سخنرانی دارید. در فصل ۹، وقتی زکریا می‌گوید شاد باش، ای دختر صهیون، پادشاه تو سوار بر کره الاغی نزد تو می‌آید. «و البته، این موضوع با توجه به» یکشنبه نخل و ورود عیسی به اورشلیم برداشت شده است.

نکته جالب در مورد فصل ۹ این است که اگر به خواندن ادامه دهید، آیات بلافاصله پس از آن درباره آمدن در صلح و پادشاه صلح بودن این شخص صحبت می‌کنند. اما سپس، حدود چهار آیه بعد، به نظر می‌رسد که

به ظهور مجدد او اشاره دارد که اگر کتاب مکاشفه را بخوانید، زمان جنگ و نبرد خواهد بود. ثانیاً، خیانت عیسی توسط یهودا برای ۳۰ سکه نقره.

این مستقیماً از زکریا می‌آید. حال، نحوه‌ی پرداختن به این موضوع در متی کاملاً جذاب است، و امیدوارم که در عهد جدید به آن پرداخته باشید، زیرا ما اینجا وقت نداریم که به آن بپردازیم. سوم، و من همین الان این را خواندم، با نگاه به کسی که او را نیزه زده‌اند.

البته، این موضوع با اشارات انجیل یوحنا کاملاً مرتبط است. در نهایت، هنگامی که همه شاگردان از دستگیری عیسی از ترس پراکنده می‌شوند، متی، به طور خاص از زکریا نقل قول می‌کند که این کار برای تحقق پیشگویی زدن چوپان و پراکنده شدن گوسفندان «انجام شد. بنابراین، همه این اشارات نبوی در رابطه با عیسی و» هفته مصائب مسیح مطرح می‌شوند.

حالا، سه دقیقه وقت داریم تا ملاکی را انجام دهیم. آماده‌اید؟ کفش‌های سرعتی‌تان را بپوشید. شروع می‌کنیم.

معنی اسم این است: پیام‌آور من. ملاک به معنی پیام‌آور است. اگر «ای» را به آخرش اضافه کنید، می‌شود پیام‌آور من.

برخی فکر می‌کنند که ما واقعاً یک شخص نداریم، بلکه صرفاً این را داریم که پیام‌آور خداوند است که صحبت می‌کند. و البته، برخی مضامین پیام‌آور وجود دارد که در سراسر این [کتاب/کتاب/کتابخوانی/...] وجود دارد احتمالاً در زمان نحمیا، پیام واقعی اینجا این است که، از آنجایی که ما در مورد پیام‌آوران صحبت می‌کنیم، پس از یک یا دو نسل احیا و شور و عشق به خدا چه اتفاقی می‌افتد؟ خب، به نظر می‌رسد کلیسا از خود راضی می‌شود.

قوم خدا از خود راضی می‌شوند. این همان چیزی است که در این زمینه نیز در جریان بود. و بنابراین، ملاکی فرستاده می‌شود تا این مردم را به چالش بکشد، به چالش کشیدن از جانب خدا.

او این کار را به روش زیر انجام می‌دهد: یک چالش وجود دارد. مردم جسارت این را دارند که برگردند و بگویند، اساساً، اوه، بله.

حالا، آنها این کار را کمی مهربانانه‌تر انجام می‌دهند. ما چطور این کار را کرده‌ایم؟ چطور نام تو را بی‌اعتبار کرده‌ایم؟ چطور از خدا دزدی کرده‌ایم؟ و بعد پاسخی در مورد اینکه آنها چطور این کار را کرده‌اند وجود دارد. و معمولاً، در متن است، خب، از همان الگو در زمان حجی پیروی می‌کند.

آنها از نام او بیزارند زیرا بهترین قربانی‌ها را نمی‌آورند. ملاکی می‌گوید، سعی کنید قربانی‌های بی‌ارزش و بی‌ارزش را برای کارفرما، رئیس یا فرماندار خود بیاورید. ببینید آیا می‌توانید از پس آن برآید.

معلومه که نمی‌تونی. این احمقانه‌ترین کار دنیا می‌شه. کارت رو از دست می‌دی.

و با این حال، آنها سعی می‌کنند این کار را با خدا و قربانی‌هایی که برای او می‌آورند، انجام دهند. بنابراین مجموعه‌ای از چالش‌ها در سراسر ملاکی وجود دارد که با خودپسندی و عدم علاقه آنها به آنچه خدا از آنها می‌خواهد باشند و انجام دهند، مقابله می‌کند. و در نهایت، فقط یک نکته سریع در مورد آنچه در عهد جدید داریم.

فصل ۳. ضمناً، این در یادداشت‌های شما نیست. باید می‌بود. ببینید، من پیک خود را خواهم فرستاد.

دوباره، این نام همین جا مطرح می‌شود. من قاصد خود را خواهم فرستاد که راه را پیش روی من آماده خواهد کرد. انجیل مرقس به این موضوع اشاره می‌کند.

سپس او ادامه خواهد داد. مرقس این را با فصل ۴۰ کتاب اشعیا ترکیب خواهد کرد. تسلی دهید، تسلی دهید، ای قوم من، راه خداوند را آماده می‌کنید.

اما او با اشاره به ملاکی شروع می‌کند. ما قبلاً در فصل ۴ به موضوع فرستادن الیاس پرداخته‌ایم. آیات ۴ و ۵ ملاکی.

اینگونه است که کلام نبوی خدا، بخش نبوی، به پایان می‌رسد. آماده‌اید؟ شریعت بندهام موسی، فرامین و قوانینی را که در حوریب به او دادم، به یاد دارید. این آخرین اشاره در کتب مقدس عبری، از نظر صدای نبوی است که ما به تورات داریم.

شریعت موسی، فرامین و قوانینی را که در حوریب برای تمام اسرائیل به او دادم، به یاد داشته باشید. و سپس نکته بعدی از راه می‌رسد. من قصد دارم قبل از فرا رسیدن آن روز بزرگ و هولناک خداوند، ایلیای نبی را برای شما بفرستم.

او دل پدران را به سوی فرزندانشان و دل فرزندان را به سوی پدرانشان باز خواهد گرداند. البته، این موضوع در پیشگویی که زکریا، پدر یحیی تعمید دهنده، از فرشته دریافت می‌کند، به هم مرتبط است. در اینجا به آن اشاره شده است.

و ما می‌دانیم که یحیی تعمید دهنده در واقع پیشرو است. به همین دلیل است که، البته، وقتی مرقس در مورد یحیی تعمید دهنده صحبت می‌کند، به فصل ۳، آیه ۱ اشاره می‌کند. اما توجه کنید که این چگونه به پایان می‌رسد. لوقا قسمت بعدی را نقل نمی‌کند.

بعد از اینکه می‌گوید، او دل پدران را به سوی فرزندانشان و دل فرزندان را به سوی پدرانشان خواهد برگرداند. وگرنه من خواهم آمد و زمین را با هارم خواهم زد. یادتان هست هارم چه بود؟ چیزی که به نابودی اختصاص دارد.

(آن را می‌گوید، زمین را با لعنت بزن NIV ترجمه). چون علیه خدا سرکشی کرده است

خب، یک چیز دیگر هم داریم. در زمینه‌ی عهد، کتاب ملاکی در واقع با این جمله شروع می‌شود: «من تو را دوست داشته‌ام، خداوند می‌گوید».

اما شما می‌پرسید، چطور ما را دوست داشته‌اید؟ منظورم این است که در مورد جسارت صحبت کنید. آنها عهد را دارند. آیا عیسو برادر یعقوب نبود، خداوند می‌گوید، با این حال من یعقوب را دوست داشته‌ام.

من از عیسو متنفر بوده‌ام. همانطور که اینجا برای شما اشاره کردم، پولس قرار است در رومیان ۹ به این موضوع بپردازد. حال، به نظر من، نفرت در اینجا به معنای نفرتی که اغلب در مورد آن فکر می‌کنیم نیست. بلکه به این معنی است که آنها خارج از عهد خدا هستند، محافظت شده.

این چیزی است که در حال وقوع است. به عبارت دیگر، خداوند، با لطف و رحمت مطلق خود، عشق بی‌وقفه و پیمان‌شکن خود را به قوم اسرائیل ارزانی داشته است. و این نقطه مقابل آن است.

ادوم خارج از این محدوده است. و بنابراین، اینجاست که کلمه نفرت جا می‌افتد. خب، این احتمالاً پایان خوشی نیست، اما می‌بینید، ما همیشه در چنین شرایطی قرار می‌گیریم، اینطور نیست؟ برگردیم و به الیاس فکر کنیم، باشه؟ چون الیاس پیشرو است، و البته، کل چشم‌انداز انجیل‌ها با الیاس به عنوان پیشرو آشکار می‌شود.

...این یه پایان مثبت‌تره. باشه، وسایلت رو جمع می‌کنی؟ کری، می‌تونی بیای و